

چرا مقاومت تسلیم نمی‌شود؟

روزنامه رسالت در یادداشت دیروز خود در نقد تصمیم کابینه دولت لبنان در موافقت با طرح امریکایی «خلع سلاح مقاومت»نوشته: ژورف عون، رئیس‌جمهور لبنان که از اصلی‌ترین مخالفان سلاح مقاومت (حزب‌الله و امل) محسوب می‌شود، معتقد است باید در شرایط کنونی «ریسک‌پذیر» بود؛ا به این معنا که در گام نخست «سلاح حزب‌الله» را قربانی «امنیت در جنوب لبنان»کرد؛اما سؤال اصلی اینجاست که آیا چنین پیش فرض و ادراکی با واقعیات گذشته، جاری و آتی در نظام بین‌الملل مطابقت دارد؛!پاسخ این سؤال قطعاً منفی است. تجربه تحولات اخیر در سوریه و منازعات زمینی که در استان سویداء به پهنه‌های قومیتی و مذهبی صورت می‌گیرد، تصویری از آینده «لبنان منهای سلاح مقاومت» است. استقرار «ارتش ترزینی در بیروت»نه تنها پیش در آمدی برای ایجاد و استمرار صلح پایدار در سرزمین سروها نیست، بلکه قسمتی از پازل «تبدیل لبنان به زمین سوخته»است.

اگر ژورف عون و نواف سلام واقعاً تصور می‌کنند که با خلع سلاح حزب‌الله تب اشغالگری و خون‌ریزی صهیونیست‌ها در لبنان متوقف می‌شود، سخت در اشتباه هستند؛ماحصل این خطای راهبردی تبدیل لبنان به زمین نبردی تازه است.نبردی که میان «لبنان ضعیف شده»و «اسرائیل بدون مانع» در بیروت تبلور خواهد یافت. رژیم متوحشی که به سادگی تعهدات مطلق خود در موازنه آتش‌بس با لبنان را زیر پا می‌گذارد و به راحتی حرم دریایی، هوایی و زمینی این کشور را مورد حمله قرار می‌دهد، قطعاً در قبال مفاهیم «تفسیرپذیر» وقاحت بیشتری از خود نشان خواهد داد. بی‌دلیل نیست که حزب‌الله لبنان و امل خلع سلاح مقاومت را در شرایط کنونی ناممکن و غیرقابل توجهی قلمداد کرده‌اند.

بیانیه‌ای که بوی کودتای دهد!

روزنامه کیهان در یادداشتی به نقد بیانیه اخیر جبهه اصلاحات پر داخته و نوشته است: با مرور آنچه در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اتفاق افتاد، می‌توان فهمید که اکنون شکل کوتاه از قالب استفاده از ابزار نظامی تغییر یافته‌است و گر نه بیشتر مؤلفه‌های آن در قالب‌های جدید قابل پیاده‌سازی است. امروز احزاب، رسانه‌ها و عوامل داخلی در خدمت بیگانه، به مراتب پیشتر و فعال‌تر از زمان کودتای ۲۸ مرداد می‌تواند در تشویش آذهان عمومی جامعه و به‌هم ریختگی ساختار سیاسی حاکمیت و زمین‌گیر کردن دولت مستقر مؤثر باشد. با همین نگاه است که کودتای عصر حاضر را «کودتای نرم» می‌نامند، چراکه مفهوم کودتا و استفاده از ابزار و عوامل نظامی در دنیای امروز حداقل در جامعه ایران با توجه به یک‌دستی نیروهای نظامی و پرخوداری از فرماندهی واحد والهی ولی فقیه کار کرد خود را از دست داده‌است و دیگر خبری از آنچه در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اتفاق افتاد، نیست، چراکه آنقدر ابزارهای نوین برای تأثیرگذاری و تغییر ذهنیت مردم نسبت به حاکمیت و نظام سیاسی وجود دارد که اصالتیازی به ابزار نظامی نیست. این همان نکته‌ای است که با انتشار بیانیه ۲۶ مرداد جبهه اصلاحات، نگرانی‌ها را در خصوص توطئه‌ای «شبه‌کودتا»افزایش داده است. با بررسی ادبیات به کار رفته در بیانیه جبهه اصلاحات می‌توان به این نتیجه رسید که اتفاقاتی در حال رخ دادن است، چراکه جبهه اصلاحات در بیانیه سه روز گذشته خود به نکاتی پرداخته که با وجود همگرایی و وفای در بخش‌های حاکمیتی کشور در حمایت از دولت، این بیانیه را می‌توان مشکوک به کودتا علیه نظام دانست.

غزه قبرستان حقوق بشر

روزنامه اعتماد در یادداشتی به تحولات فلسطین پرداخته و نوشته‌است: در این روزها که وطن عزیزمان پر اثر جنگ اقتصادی و نظامی تحمیلی و متأسفانه سوءمدیریت مدیران داخلی و در نتیجه تورم حاصل از آنها و همچنین ناترازی‌های انرژی و آب، ایام سختی را می‌گذراند نوشتن از فلسطین و غزه شاید مقبولیتی نداشته باشد، اما خارج از دین و سیاست، وطن پرستی و تمام مشکلات فوق‌الذکر ما همه انسانیم و باید در در انسانیت داشته باشیم. مسئله امروز غزه نه یک جنایت جنگی، بلکه یک پاکسازی قومی تمام‌عیار بر نامه‌ریزی شده از نسوی جناح تندرو حاکم پر اسرائیل است که در سایه حمایت‌های بی‌قید و شرط ایالات متحده امریکا و متحدان غربی‌اش و بی‌تفاوتی جامعه جهانی و سکوت شرم‌آور سران خیانکار عرب به عنوان نمایندگان دنیای اسلام، فلسطینیان را حیواناتی درنده می‌داند که باید کاملاًاز بین بروند. افراطیون صهیونیستی قصد پاکسازی کامل مردم غزه از طریق کشتار، گرسنگی و مهاجرت اجباری را دارند و در این راستا تمامی قواعد و قوانین بین‌المللی از جمله حقوق بشر را در این باریکه دفن کرده و به خاک سرکده کرده و متأسفانه کشور‌های دیگر نیز جز محکومیت لسانی اقدامی عملی انجام ندادند و چشم خود را بر این جنایت‌های وحشتناک بسته‌اند. کودکان معصوم غزه از فرط گرسنگی و تشنگی برپری می‌شوند، اما جامعه جهانی در سکوتی ننگین به نظاره نشسته‌است. در حال حاضر سکوت در مقابل این جنایت‌های بی‌سابقه در تاریخ بشریت، یعنی شراکت در جرم. تاریخ این شرکت در جنایت را ثبت خواهد کرد و آیندگان از اینکه اجدادشان اینچنین شریک نسل‌کشی بودند، در پیگاه تاریخ شرمنده خواهند شد.

دلیل ماندگاری ۲۸ مرداد در ذهنیت جمعی ایرانیان

روزنامه شرق در یادداشتی به مناسبت کودتای امریکایی ۲۸ مرداد نوشته است: اتفاقاتی که مرداد ۳۲ افتاد و فرجام آن که شکست دولت ملی دکتر مصدق بود، از معدود اتفاقات تاریخ معاصر ماست که در ذهنیت و خاطره جمعی ایرانیان ماندگار شده‌است. با گذشت زمان، توجه به این نقطه عطف تاریخی در ایران معاصر رو به افزایش است و به‌ویژه در سال‌های اخیر به نحوی فزاینده شاهد نوشته‌ها، گفت‌وگوها و مراسمی در روزهای منتهی به سالگرد کودتای ۲۸ مرداد بوده‌ایم. به گمان من، دلیل اصلی این ماندگاری از آن جهت است که ۲۸ مرداد لحظه تاریخی شکست آخرین تلاش جامعه ایرانی برای تحقق اهداف جنبش مشروطه بود. اهمیت جنبش یا به قولی انقلاب مشروطه در تحولی بنیادی بود که در اندیشه سیاسی ۱۲هزار ساله ایران ایجاد کرد. بر پایه اندیشه سیاسی سنتی، استبداد دیرپا و تئومند ایرانی ماهیتی شـاه- خدایگانی یا شاه-ظ‌الهی داشت. شاه «خداپاکان سپهر آستان» و سایه خدا بر زمین توصیف می‌شد. قدرت و مطلق را وی و جهان مطاع به‌شمار می‌آمد. او گماشتگان و کارگزارانی را به دلخواه نصب و عزل می‌کرد؛ گماشتگانی که بر مقام و مال و جان خود اِمن نبودند. مطلق اندیشه سیاسی سنتی، شاه در ازای چنین اختیارات و اقتدارات مطلق، پاسخگو و مسئولیت‌پذیر نبود و قرار بود تنها در روز جزا به ذات باری پاسخ دهد. خروجی چنین اندیشه‌ای برای امور کشوری و مردم عادی چیزی جز اغتشاش و بی‌قانونی نبود. هم شاه و هم گماشتگان او در ولایات بی‌پروا و بوالهوسانه تصمیم می‌گرفتند و عمل می‌کردند.



گفت‌وگو
فاخره سادات یوسفی

دکتر عبدالله گنجی در گفت‌وگو با «جوان»:

بیانیه اصلاحات فرصت‌طلبی در حمله به ماهیت دینی نظام است



رمادهمشیری | جوان

خیزش سیاسی جبهه اصلاحات و برخی چهره‌های سیاسی وابسته آن بعد از جنگ ۱۲روزه با اسام رمز تغییر پارادایم طرح در خواست‌های نامشروعی چون تأسیس مجلس مؤسسان، رفع حصر، عفو عمومی، اصلاح صداوسیما، استراتژی ملی و در نهایت تغییر ساختار سیاست داخلی و خارجی، به دلایل پالس ضعف و تسلیمی که به کاخ سفید مخایره می‌کند، شایسته بر خورد است. از این رو با دکتر عبدالله گنجی، تحلیلگر مسائل سیاسی گفت‌وویی داشتیم تا به زوایای مختلف این رویداد افسیار که پایه‌های قدرت و جایگاه مقتدرانه ایران در جهان را هدف قرار داده، بپردازیم.

■ ■ ■

به نظر شما مدعیان اصلاحات با این شورش سیاسی، چه هدفی را دنبال می‌کند و سرمنشأ اقدامات آنها چیست؟

اصلاح‌طلبان اصلی دارند که بسیار ناموزون و نامبارک‌است. آنان در پاییز سال ۱۳۸۷مانیفستی با عنوان «سند تعاملات پنج‌ساله حزب مشارکت» نوشتند. در آنجا بندی آوردند که به گمان من همان کاری که اکنون انجام می‌دهند، همان بند است. آن بند این بود که «هر جا حاکمیت در بحران‌های ملی گرفتار شد، ما باید مهادن زمان به میدان بباییم و مطالبات خود را مطرح کنیم.» این موضوع از این جهت بسیار ناپسند است هنگامی که بحران‌های ملی به وجود می‌آید، همه اختلافات را کنار می‌گذارند و دست به دست هم می‌دهند تا بحران حل شود. اما این افراد می‌گویند وقتی حاکمیت گرفتار شد، ما باید مسائل خود را مطرح کنیم و دقیقاً همین کار را کردند، یعنی مسئله‌ای که می‌توانستند پیش‌تر با پس‌تر بیان کنند، هم‌زمان با حمله صهیونیست‌ها و امریکا

طرح کردند، چراکه احساس می‌کنند حاکمیت در بحران‌های ملی به آنها یاج می‌دهد. هدف من از بیان این نکته آن است که بدانید آنان از کلی‌گویی فرات نمی‌روند، مثلاً می‌گویند «مذاکره فراگیر با امریکا» یا می‌گویند «پارادایم» یا «استراتژی نوین». اما هیچ‌گاه این مفاهیم را باز نمی‌کنند و توضیح نمی‌دهند که منظورشان چیست. برای نمونه، مذاکره در فراگیر یعنی درباره چه موضوعی؟ چه باید بدسیم در این مذاکره؟ مذاکره یعنی معامله. حال ما چه می‌خواهیم در مذاکره فراگیر با امریکا مطرح کنیم؟ در حالی که مطالبات و خواسته‌های امریکا روشن است و خطوط قرمز ما نیز تغییر پارادایم. هنگامی که آنان وارد جزئیات نمی‌شوند، مقصود امریکایی‌ها این است که منظورشان همان تسلیم شدن است، یعنی گذشتن از هسته‌ای، گذشتن از موشکی، گذشتن از قدرت منطقه‌ای و حتی گذشتن از جمهوری. بنابراین چون می‌دانند جمهوری اسلامی ماهیت خود را نمی‌فروشد و به حراج نمی‌گذارد، غریب راضی نمی‌شود.

کلی‌گویی آنان دقیقاً در همین فضاست؛ منظورشان عبور از جمهوری اسلامی است. البته همه اصلاح‌طلبان اینگونه نیستند، اما کسانی که همان کاری که اکنون انجام می‌دهند، عمدتاً به سکولاریسم رسیده‌اند و زمان کنونی را برای مبارزه با ماهیت دینی نظام مناسب می‌دانند. به طور عریان می‌گویند، دست بردارید؛ ایران باید به شرایط یک کشور نرمال در برابر غرب تن دهد تا مثلاً به توسعه برسیم؛ این نگاه کلی آنان است. **امروز بحث‌هایی مطرح می‌شود که بخشی از طرفداران نظام بر آن تأکید دارند. می‌گویند باید نقدی‌های سیاسی را کاهش دهیم تا دشمن متوجه اختلافات داخلی نشده و از آن سوءاستفاده نکند، زیر اکنون**

چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۴ | ۲۶ صفر ۱۴۴۷ |

سرویس سیاسی، ۸۸۵۳۳۰۰۰

وارد کند، وارد نقد شد. مثلاً اگر رئیس‌جمهور به کشوری سفر کرده و در دیداری دیپلماتیک خطایی انجام داده است، نباید این موضوع را بیش از حد بزرگ و به مسئله‌ای برای کشور تبدیل کنیم. یا همین سفر اخیر آقای پزشکیان به آذربایجان برای شرکت در اجلاس سران اکو بر برخی به تکرار می‌گویند: «او به باکو رفت، او به باکو رفت» در حالی که موضوع، شرکت در اجلاس رسمی بود و ارتباطی ویژه با شخص علّی‌اف‌نداشت. به بیان دیگر، باید مرز میان نقد اصولی و نقد حاشیه‌های را مشخص کرد تا هم اصل نقد حفظ شود و هم انسجام ملی آسیب نبیند.

این روزها شاهد آن هستیم که برخی تلاش می‌کنند سوءاستفاده کنند و برای خود پوششی به نام «وفاق» بسازند؛ گویی با این عنوان می‌خواهند حماری ایجاد کنند تا هیچ نقدی متوجه آنان نشود؟ در این رابطه جریان انقلابی چه رفتاری انجام دهد؟

در حال حاضر، چنین چیزی پذیرفتنی نیست. جریان انقلابی باید زمین‌بازی را خود تعریف کند، نه اینکه صرفاً هر سخنی از سوی طرف مقابل را جدی بگیرد و واکنشی نشان دهد. گاهی لازم است برخی صداها نادیده گرفته شود تا به موضوعی غریب‌و غریب بُعد ندهیم. جریان انقلابی که خود را «مادر انقلاب» می‌داند، باید تشخیص دهد کجا باید ورود و کجا سکوت کند. ممکن است امروز پنج موضوع در جامعه مطرح باشد، اما شرایط کنونی ما – که نه وضعیت جنگی است و نه صلح کامل – ایجاب می‌کند تنها در مواردی ورود کنیم که پشتوانه دراندیشی و اتاق فکر وجود داشته باشد.

خود جریان‌های انقلابی نیز بی‌باز از آسیب‌شناسی نیستند. می‌بینیم بخشی از اختلاف‌افکنی‌ها از درون این جریان سر برآورده‌است. به نظر می‌رسد بعضی از این رفتارها ریشه در فضای انتخاباتی گذشته دارد و هنوز ادامه دارد. رسانه‌های جریان انقلاب نیز گاه این اختلافات را بازتاب می‌دهند. پرسش اینجاست که چرا چنین وضعیتی رخ می‌دهد؟ واقعیت این است که این موضوع چندان جدی و بنیادی نیست. بیشتر افرادی که به اختلافات دامن می‌زنند، از حلقه‌های میانی و پایینی هستند. حلقه‌های دوم، سوم یا چهارم. چهره‌های اصلی و خط اول سیاسی معمولاً در گیر این مسائل نیست‌اند. بسیاری از این اختلافات بیشتر بر پایه نگاه‌های شخصی و عاطفی به افراد شکل گرفته‌است تا مباحث اصولی.

البته اینس موضوع پدیده‌ای جدید نیست، گذشته نیز بوده و در آینده هم خواهد بود. مسئله اصلی، «مدیریت» این اختلافات است. عاقلان جریان‌های مختلف، انهایی که نگاه کلان بر اجزائی دارند، باید بیشتر به میدان بیایند و بر این روند نظارت و هدایت داشته باشند. تنها با چنین رویکردی می‌توان اختلافات طبیعی درون جریانی را کنترل کرد تا به آسیب‌های جدی منجر نشود.

مروح مصدق و کشور بیش از ۲۵ سال غارت اموال و منافع نفتی تحویل و ملت ایران، به رغم وجود ظرفیت‌های حقوقی و قانونی داخلی، اقدام مؤثری برای دادخواهی و مطالبه ضرر و زیان‌های ناشی از کودتای امریکایی – انگلیسی، وسطه امریکایی‌ها بر منابع نفتی و غارت آن، از سوی مراجع ذی‌صلاح دولتی صورت نگرفته است. لذا گروه جهادی حکیم به نمایندگی از صدها هزار ایرانی مطالبه کننده و منتضار از سلطه نفتی دولت امریکا در ایران قبل از انقلاب با ثبت دادخواست حقوقی، اقدام به طرح دعوی حقوقی جهت تادیه خسارات مادی، معنوی و تنبیهی بازدارنده از دولت سلطه‌گر امریکا به دلیل غارت و چپاول منابع و منافع نفتی کشور کرده است. این وکیل دادگستری گفت: آقای قاضی استدعا داریم به استناد قوانین موضوعه، محکومیت خواندگان مبنی بر پرداخت خسارات مادی و معنوی ناشی از غارت و چپاول ۲۵ ساله اموال و منابع نفتی کشور و خسارت تنبیهی مؤثر که بازدارنده برای تکرار اقدامات خلاف حقوق بین‌الملل خواندگان شود و همچنین تمامی خسارات دادرسی اعم از هزینه دادرسی و حق‌الکاله مورد استعاضت. قاضی در ادامه بیان کرد: اینس موارد می‌تواند به عنوان آسیب‌ها و ضررهای معنوی ناشی از تأسیس سلاواک به لحاظ نتایج کودتای ۲۸ مرداد بررسی شود و منوط به این است که وکیل پرونده مستندات کافی را ارائه دهد.

«تبرد ایران» هستند که از سوی تاریخ‌نگاران سازمان سیا و صرفاً برای مصرف داخلی در اواسط دهه ۷۰ میلادی تدوین شده‌اند. این وکیل دادگستری خاطر نشان کرد: سیا، در مقدمه یکی از سند‌های متعلق به سال ۱۹۵۴ می‌نویسد در پایان ۱۹۵۲ روشن بود که دولت مصدق نمی‌تواند با کشور‌های غربی که منافعش در ایران دارند به‌توافقی نفتی برسد. هدف عملیات آژاکس سرنگونی دولت محمد مصدق بازسازی منزلت و قدرت شاه و جایگزینی دولت مصدق با دولتی بود که ایران را با سیاست‌هایی سازنده مد نظر امریکایی‌ها اداره کند. بنا به این سند همچنین دولت کودتا فوق آن را بخشی از فعالیت سیاست خارجی امریکا به شمار آورد. در ژوئن ۲۰۱۷ سازمان سیا ضمن تأیید نقش خود در کودتا اسنادی در این زمینه منتشر کرد. ایزا تصریح کرد: در اسنادی که از طبقه بندی محرمانه خارج شده‌اند ار جاعاتی به رمز آژاکس وجود دارد. این اسناد از جمله شامل پرونده‌های کاری کمیته روزولت است که مأمور اصلی سازمان سیا در تأسیس سلاواک که حاصل تشریک مساعی مشترک سازمان سیا و موساد برای سرکوب مردم ایران و پیشبرد اهداف نظام سلطه امریکایی بود. این وکیل دادگستری عنوان کرد: حادثه ۱۶ آذر و قربانی کردن سه دانشجوی معترض در پای ریحارد نیکسون معاون وقت رئیس‌جمهور امریکا، بخشی از

خساب دشمن را بر نکند

چند هفته پس از توقف جنگ تحمیلی اخیر، یک اندیشکده مشهور امریکایی در تحلیلی به وضعیت برنامه هسته‌ای ایران پرداخت و سناریوهای مختلفی را برای آینده مورد بحث و بررسی قرار داد. نکته قابل تأمل در این گزارش جملات پایانی آن است که می‌گوید: «در نهایت، امریکا و اسرائیل باید یک کمپین تأثیرگذاری چندرسانه‌ای آرام در ایران راه‌اندازی کنند تا بحث داخلی درباره سلاح‌های هسته‌ای را شکل دهند. این کمپین باید بر خطرات دنبال کردن زرادخانه هسته‌ای برای ملت ایران تأکید کند – و نشان دهد که بلندپروازی‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی محرک درگیری است، نه منبع امنیت برای مردم ایران و خاورمیانه.» روزنامه اینترنتی «صدای ایران» رسانه KHAMENEI.IR در شماره ۵۸ خود نوشته است: قبل از پرداختن به موضوع اصلی، ناگفته پیداست که منظور این گزارش از سلاح هسته‌ای و زردخانه هسته‌ای، واقع فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران است و چنین برچسب‌هایی صرفاً برای مشروعیت‌بخشی به خصومت‌ها و خیانت‌های آنان علیه ایران به کار می‌رود، اما موضوع اصلی همان است که این اندیشکده حتی از بیان مستقیم آن نیز ابایی ندارد؛ ایجاد تفرقه و چند صدایی در کشور. ۳۱ تیر سال گذشته رهبر انقلاب در دیدار نمایندگان مجلس فرمودند: «در مسائل مهم کشور هم باید صدای واحدی از کشور شنیده بشود. در مسائل مهمی که البته تشخیصش با شماست، یک جاهایی هست که باید دولت و مجلس و مسئولان گوناگون یک حرف بزنند تا آن کسانی که در دنیا گوش تیز کرده‌اند که نشانه‌های اختلاف و دوگانگی را پیدا کنند، مایوس بشوند؛ یک صدا باید شنیده بشود.» اگر اتحاد و یک صدایی در مسائل مهم کشور در تابستان سال گذشته ضروری بود، در شرایط کنونی حیاتی و سرنوشت‌ساز است. اینکه هدف و نیت صداهای متفرقه چیست و سرخ آنها به «کمپین تأثیرگذاری چندرسانه‌ای آرام» امریکا و اسرائیل باز گردد یا خیر، مسئله‌ای ثانویه و قابل تأمل است، اما بلندکردن صداهایی برخلاف واقعیت درباره مباحث حساس در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اجتماعی و راهبردی کشور از جمله فعالیت هسته‌ای و غنی‌سازی، آن هم با تکرار همان فهرست دیکته‌شده امریکا، در این وضعیت جنگی توقف آتش با هر نیت و هدفی از جمله بهره جستن از فرصت شرایط فعلی برای طرح مطالب جناحی، در خدمت دشمن است و او را نسبت به رسیدن اهداف خود امیدوار می‌کند. اینکه رهبر انقلاب اولین تکلیف از تکالیف هفت‌گانه راهبردی را حفظ اتحاد ملی عنوان کرده و آن را وظیفه تک تک افراد می‌داند، ناشی از همین اهمیت است. عوامل بسیاری در شکست اخیر دشمن و نرسیدن آنها به اهداف شوم خود نقش داشتند، اما مهم‌ترین و اصل‌ترین تیر آنها، همین همان اتحاد و انسجام بود و دشمن نیز همین نقطه را هدف گرفته است. سخن گفتن و ارائه نظراتی که در شرایط فعلی و در رویارویی با دشمن، نسبت چندان‌ی با واقعیت‌های صحنه ندارد، بر خلاف آنچه اعلام می‌شود، کشور و مردم را با خطر روبه‌رو می‌کند و ناگفته پیداست تکرار دیکته دشمن در این زمینه، سطح جدی‌تری از خربه به منافع ملی است.

رئیس کمیته روابط خارجی مجلس:

اگر مکانیسم ماشه فعال شود، ما ابزارها و گزینه‌های مختلفی برای پاسخ در اختیار داریم که یکی از این گزینه‌ها، خروج از NPT، است. عباس کلور در گفت‌گو با مهر، درباره تهدید برخی کشور‌های اروپایی مبنی بر فعالسازی مکانیسم ماشه و بازگشت قطعه‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل گفت: در وهله اول باید این موضوع مورد توجه قرار گیرد که مذاکرات برجام و پیوستن آن صدور قطعه‌نامه ۲۲۳۱، شش قطعه‌نامه تحریمی فصل هفتم شورای امنیت علیه ایران را ملغی کرد. وی توضیح داد: زمانی که قطعه‌نامه‌های سازمان ملل صادر می‌شود، کشور‌ها ملزم به همکاری هستند، هرچند ممکن است ما این قطعه‌ما‌ها را ناعالانه یا غیرمشرع بدانیم، اما به هر حال تصویب آن در سازمان ملل الزام‌آور است. رئیس کمیته روابط خارجی مجلس شورای اسلامی ادامه داد: لذا اگر مکانیسم ماشه فعال شود، آن شش قطعه‌نامه تحریمی سازمان ملل علیه ایران بازمی‌گردد، یکی از نتایج این اتفاق آن است که موضوع قطعه‌نامه‌های ایران دوباره به دستور کار شورای امنیت سازمان ملل باز می‌گردد؛ شورای امنیت می‌تواند این موضوع را به صورت ماهانه یا به بازه‌های زمانی دیگر بررسی کند که این یک چالش سیاسی برای ما خواهد بود و اتفاق خوبی نیست. نماینده مردم سمنان در مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: نکته بعدی اثرات بازگشت تحریم‌هاست که طبیعتاً آثار گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف فروش نفتی، بانکی و به‌ویژه تسلیحاتی خواهد داشت. به عنوان مثال، در حال حاضر ایران می‌تواند سلاح به برخی کشور‌ها بفروشد و این منبع درآمدی برای کشور است، اما بازگشت این تحریم‌ها می‌تواند خرید و فروش تسلیحات را ممنوع کند و همکاری کشور‌ها را با ایران محسوس سازد. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس بیان کرد: البته عفو غلاتیبت حکم می‌کند که نباید از بازگشت تحریم‌ها استقبال کنیم و بهتر است با حفظ عزت و اقتدار و برای حفظ منافع ملی و استیغای حقوق ملت ایران دست‌کم کنیم. وی تأکید کرد: با وجود این، اگر مکانیسم ماشه فعال شود، ما ابزارها و گزینه‌های مختلفی برای پاسخ در اختیار داریم، یکی از این گزینه‌ها، خروج از NPT است که این موضوع در حال بررسی در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی است.

رئیس سازمان فضایی ایران خبر داد نخستین منظومه ماهواره‌های بومی به‌زودی در مدار

رئیس سازمان فضایی ایران از پرتاب ۲۰ ماهواره نخستین منظومه ماهواره‌ای باریک‌باند «منظومه شهید سلیمانی» تا پایان سال جاری خبر داد و گفت: این طرح ملی با هدف توسعه خدمات اینترنت اشیا و با بهره‌گیری از دانش بومی اجرا می‌شود. حسن سالاری، رئیس سازمان فضایی ایران در گفت‌وگو با تسنیم درباره آخرین وضعیت پروژه «منظومه شهید سلیمانی» گفت: پروژه شهید سلیمانی، نخستین منظومه ماهواره‌ای باریک‌باند کشور است که با هدف توسعه خدمات اینترنت اشیا (IoT) طراحی و ساخته می‌شود. در نخست، نزدیک به ۲۰ ماهواره ساخته و در مدارهای با شیب‌های متفاوت قرار داده خواهد شد تا ارتباطات باریک‌باند با هدف توسعه اینترنت اشیا را برای کشور فراهم کند. وی افزود: فاز طراحی منظومه از نیمه دوم سال ۱۴۰۲ آغاز شد و اکنون بخش زیادی از زیرسیستم‌ها پیچیدگی‌های فنی و طراحی فنی ممکن است تا مدت‌ها برای اجرای این منظومه تا پایان سال ۱۴۰۴ و سال ۱۴۰۵ پرتاب‌های اصلی آن انجام شود. سالاری خاطر نشان کرد: البته مسائل فنی و مهندسی سلاواک به لحاظ نتایج کودتای ۲۸ مرداد بررسی شد و منوط به این است که وکیل پرونده مستندات کافی را ارائه دهد.